

نظریه پردازانی مانند برنارد لویس، کارل براون و هینبوش به این موضوع اشاره کرده‌اند که ائتلاف‌ها در خاورمیانه، ماهیتی ناپایدار دارد. هر بازیگری در زمان محدودی با ائتلاف‌های پیشین خود در ستیز قرار می‌گیرد. روند موازنه قدرت و موازنه تهدید، ماهیتی درهم تنیده پیدا می‌کند، درحالی‌که همکاری‌های راهبردی ایران و سوریه براساس چند هدف منطقه‌ای مشترک شکل گرفته و گسترش پیدا کرده است.

چنین فرایندی در سال‌های بعد از آشوب سازی منطقه‌ای که از طریق آمریکا و عربستان در سوریه سازماندهی شد، ابعاد جدیدی پیدا کرد. روند جدید به تبدیل همکاری‌های تاکتیکی به شکل جدیدی از سازوکارهای کنش راهبردی معطوف خواهد بود. در نگرش مسلمانان خاورمیانه به ویژه شیعیان لبنان، اسرائیل نماد سرکوب مسلمانان به ویژه فلسطینی‌ها و همچنین بازیگر نیابتی جهان غرب در منطقه محسوب می‌شود. به همین دلیل است که آنان از انقلاب اسلامی به طور فراگیری حمایت می‌کنند و خود را در منطقه با الگوهای کنش انقلابی هماهنگ کرده‌اند.

نکته دوم، بحث اجتماعی خود ما در ایران است. طرح موضوعات فرعی، به نادیده گرفتن ضرورت‌های راهبردی کشور برای مقابله با تهدیدات اسرائیل منجر می‌شود. امروز نسل موجود، نخبگان موجود، نهادها و ساخت اجتماعی به دنبال ترورها و تعدی‌های رژیم صهیونیستی، از اسرائیل و ضرورت کنش متقابل و مقابله جویانه با آن تعریف جدیدی پیدا کرده‌اند. نادیده گرفتن این موقعیت، مشروعیت و حقانیت ایران را برای دفاع از خودش با نشانه‌هایی از چالش روبه‌رو می‌کند. ایران باید سیاست قدرت به منظور بازدارندگی تهدیدات اسرائیل را در فضای اجرایی و عملیاتی سازماندهی کند. برای تحقق بازدارندگی مؤثر، لازم است تا ایران ضریب قدرت سازی خود را ارتقا دهد. بخشی از ضرورت‌های قدرت سازی را سازوکارهای سیاست مقاومت شکل می‌دهد. در وضعیت موجود می‌توان این پرسش را مطرح کرد که ضریب مقاومت چگونه افزایش پیدا می‌کند؟ اینکه جامعه متقاعد شود در فضای تهدید قرار دارد. تهدید به ساختار و نخبگان مربوط نیست، به زیرساخت اقتصادی و اجتماعی مربوط است. اسرائیلی‌ها در سامانه بنزین خرابکاری کردند. چرا این کار را انجام دادند؟ چون تعبیرشان این بود که چند بحران اخیر ایران مربوط به بنزین بوده است؛ بحران‌های اجتماعی دوره آقای احمدی‌نژاد و همچنین دوره آقای روحانی بیانگر چنین واقعیتی بود.

در چنین وضعیتی برای خنثی کردن سیاست‌های امنیتی و سایبری اسرائیل ما چه کردیم؟ دولت ترجیح داد با جامعه وارد نوعی تعامل سازنده شود. واقعیت‌های تهدید بیان شد. گفتیم سامانه ما هک و تهدید شده است؛ یعنی با جامعه روراست بودیم. کنش ارتباطی با جامعه، روراست بودن با آن، یک امر فلسفی هارموسی نیست، کنش ارتباطی می‌تواند جامعه‌ای را که در معرض التهاب قرار داشته، آرام کند. در وضعیت موجود جامعه ایران بیش از هر دوران دیگری به آرام سازی ساخت اجتماعی نیازمند است. رادیکالیزه کردن ساخت اجتماعی، چالش‌هایی را در برابر سیاست امنیت منطقه‌ای ایران به وجود می‌آورد.

سیاست و برنامه
ایران در رابطه با
اسرائیل «رفراندوم»
است. طرح
موضوع رفراندوم
در سرزمین‌های
اشغالی، مشروعیت
اجتماعی و
ساختاری اسرائیل
را متزلزل می‌کند.
در این وضعیت،
سازوکارهای کنش
سازنده با رویکرد
اجتماعی در جهت
مشروعیت‌زدایی
از رژیم‌های شکل
می‌گیرد که
هیچ‌گونه پیشینه
تاریخی ندارد و
موقعیت خود را از
طریق سرکوب و
سیاست قدرت
بازتولید می‌کند.